

پیامبری یسع (ع)

پیامبری که نامش در دو آیه از قرآن ذکر شده است. در آیه نخست، (سوره انعام، آیه 86)، یسع (الیسع) در کنار اسماعیل، یونس و لوط آمده است...



پیامبری که نامش در دو آیه از قرآن ذکر شده است. در آیه نخست، (سوره انعام، آیه 86)، یسع (الیسع) در کنار اسماعیل، یونس و لوط آمده است، و گفته می شود که آنها بر بقیه مخلوقات برتری داده شده اند و کلاً فضلنا علی العالمین. در آیه دوم (سوره ص، آیه 48) یسع همراه با اسماعیل و ذوالکفل است و گفته می شود که همه ی ایشان از نیکانند و کلاً من الاخیار. در قرآن به جزئیات زندگی او هیچ اشاره ای نمی شود و تنها به ذکر نام او در کنار نام دیگر پیامبران بسنده می شود و گفته می شود که یسع، پسر عموی الیاس (ع) بوده که پس از رحلت الیاس به تبلیغ رسالت الهی پرداخته و به همان شیوه دین و آیین الیاس، مردم را به خدا پرستی دعوت می کرده است و در زمان آن حضرت، رخ دادها و گناهان بسیاری انجام پذیرفت. و نیز ملاحظه می کنیم که قرآن به طور خلاصه و کوتاه از الیاس (ع) یاد کرده و به پیامبری یسع اشاره ای گذرا داشته است.

الیاس به پیشگاه خدای خود عرضه داشت: بار خدایا، بنی اسرائیل، از پرستش تو سر برتافتند و بر کفر و پرستش غیر تو روی آوردند، نعمت هایی را که به آنان دادی دگرگون ساز

الیاس آن گاه که از بنی اسرائیل خواست بت پرستی را کنار گذاشته و خدای یگانه را پرستش کنند، دعوت وی را نپذیرفته و به او پاسخ مثبت ندادند، الیاس به پیشگاه خدای خود عرضه داشت: بار خدایا، بنی اسرائیل، از پرستش تو سر برتافتند و بر کفر و پرستش غیر تو روی آوردند، نعمت هایی را که به آنان دادی دگرگون ساز. خداوند به او وحی فرمود: ما زمام امور ارزاق آنها را به دست تو می سپاریم، هرگونه که خواستی عمل نما. الیاس عرض کرد: آفریدگارا، بارانت را از آنان دریغ فرما. در پی آن سه سال بر آنها باران نیاید تا چهار پایان آنان از بین رفت و درختانشان خشکید و مردم سخت دچار گرفتاری شدند. الیاس هر کجا که به سر می برد، خوراک و روزی او می رسید و بنی اسرائیل هرگاه بوی نان می شنیدند می گفتند: الیاس این جاست، و در جستجوی وی برمی آمدند، و بدین ترتیب، اهل آن خانه مورد اذیت و آزار آنها قرار می گرفت.

الیاس روزی به خانه زنی از بنی اسرائیل پناه برد که پسری بیمار به نام یسع بن اخطوب داشت. آن زن، الیاس را به خانه خود راه داد و ماجرای او را پنهان داشت. آن حضرت در حق فرزند او دعا کرد و خداوند او را از بیماری نجات داد. و از آن پس دست از الیاس بر نداشت و به او ایمان آورده و وی را تصدیق کرد و پیوسته با او بود و هر کجا الیاس می رفت، وی نیز او را همراهی می کرد. الیاس پیرمردی سالخورده، و یسع پسری نوجوان بود. پس از آن، روزی الیاس به بنی اسرائیل گفت: اگر دست از پرستش بتها بردارید از خدا می خواهم که گرفتاری ها را از شما بردارد. لذا آنان بتها و پیکره هایی را که ساخته بودند بیرون ریختند و الیاس (ع) به پیشگاه خداوند دعا کرد و خداوند به فریادشان رسید و گرفتاری ها را از آنان برداشت، سرزمین های آنان سرسبز شد، ولی آنها دست از عقیده خود برنداشته و به راه راست هدایت نگشتند.

وقتی الیاس (ع) چنین دید، از خدای خویش درخواست نمود که جانش را بگیرد تا از شر آنها راحت و آسوده گردد و خداوند روح او را قبض نمود و به آسمانها برد و خداوند بعد از الیاس، یسع را برای ارشاد و راهنمایی آنها مأمور ساخت.